

سریال تکراری اخاذی در فضای مجازی

◀ **مرجان همایونی**
خبرنگار

«تهدید کرده که عکس‌هایم را منتشر می‌کند» دختر جوان در حالی که دست‌هایش می‌لرزید و به سختی می‌توانست صحبت کند، این جمله را بیان کرد و رو به مأمور جوانی که پشت میز نشسته بود گفت: همه پلاهایم را به او داده‌ام و از دوستانم هم کلی پول قرض گرفته‌ام، اما او بعد از گرفتن پول و پلاها چند روزی ناپدید می‌شد و دوباره تماس می‌گرفت و تهدید می‌کرد.

ملیکا در رابطه با اینکه چطور عکس‌های خصوصی‌اش به دست پسر شرور افتاده گفت: در اینستاگرام دنبال یک توکار خوب بودم که با صفحه او آشنا شدم. برای اطلاع از قیمت‌ها به او پیغام دادم و کم‌کم باهم دوست شدیم. او خودش را آزی‌تا معرفی کرد و از من خواست تا عکس‌های شخصی‌ام را برایش ارسال کنم تا به من مشاوره بدهد که چه تئویی مناسب و مد روز است. هرگز تصور نمی‌کردم او یک پسر است که خودش را با نام و مشخصات و عکس یک زن جوان معرفی کرده است. عکس‌های شخصی‌ام را



در اختیارش گذاشتم. در این مدت هم از خودم و خانواده‌ام برای او گفتم و آزی‌تا را در جریان کامل وضعیت خانوادگی‌ام قرار دادم. دختر جوان ادامه داد: چند روزی از این ماجرا گذشت و آزی‌تا آدرس محل کارش را داد تا برای تنو به آنجا بروم. آپارتمانی در شمال تهران، اما وقتی وارد آپارتمان شدم با پسر جوانی مواجه شدم. تازه آن زمان بود که متوجه شدم آزی‌تا تنها یک نام است که پسر جوان روی خودش گذاشته و با این ترفند مرا به آنجا کشانده است. من قربانی نقشه این شرور شدم و او تهدید کرد که اگر در این مورد حرفی بزنم تصاویری که از خودم برایش فرستاده بودم و در آپارتمانش از من گرفته بود را در فضای مجازی منتشر می‌کند. آن روز حرفی نزدم اما بعد از مدتی، تهدیدهای آزی‌تا که بعداً متوجه شدم کیوان نام دارد، شروع شد. چند باری طلا و پول‌هایم را در اختیارش قرار دادم اما درخواست‌های او تمامی نداشت و در نهایت تصمیم گرفتم که از کیوان شکایت کنم.

با شکایت دختر جوان، کارآگاهان پلیس وارد عمل شده و تحقیقات برای دستگیری متهم آغاز شد. در نهایت پسر جوان بازداشت شد و در بازرسی از خانه وی، مدارکی به‌دست آمد که نشان می‌داد ملیکا تنها قربانی این پرونده نیست. در ادامه تحقیقات کیوان به جرم خود اعتراف کرد.

▪ چه شد که این ترفند به ذهنت رسید؟

فضای مجازی، بهترین جا برای پنهان کردن هویت واقعی است به همین دلیل می‌توانی همانند یک گرگ در لباس میش ظاهر شوی. یک صفحه اینستاگرامی درست کردم و با دانلود کردن عکس‌های تنو آن را در صفحه‌ام بارگذاری کردم. الان هم تنو مد شده و خیلی‌ها دنبال این هستند که روی سر و صورت و بدشان تنو کنند، مخصوصاً اگر مبلغی که ارانه می‌کنی مبلغی پایین‌تر از مبلغ بازار باشد.

▪ و به همین سادگی آنها فریب تو را می‌خورند؟

ساده‌تر از آن چیزی که تصورش را کنی. البته بعضی‌ها کمی وسواس بیشتری به خرج می‌دادند و من برای جلب اعتماد آنها صدا برایشان ارسال می‌کردم.

▪ و با ارسال صدا بازم هم آنها به شما اعتماد می‌کردند؟

بله، چون صدایم را با نرم‌افزارهایی که مخصوص تغییر صدا است، تغییر می‌دادم و به صدای دخترانه تبدیل می‌کردم. فضای مجازی پر است از ترفندهای مختلف، برای فریب دیگران و البته افراد ساده دل و زودباور. در این فضا می‌شود حتی از عکس‌های دیگران برای چهره خودت استفاده کنی، صدایت را تغییر دهی و هر هویتی روی خودت بگذاری بدون آنکه کسی مدرک بخواهد. حتی اگر مدرک هم بخواهد می‌توانی با نرم‌افزارهایی کلی مدرک جعلی درست کنی.

▪ بعد از جلب اعتماد چه می‌کردی؟

از مشتری‌ای می‌خواستم که برای انجام کار به آپارتمانم بیایند و بعد از آن هم اخاذی‌هایم شروع می‌شد.

▪ از پلیس و دستگیری نمی‌ترسیدی؟

من آنها را تهدید می‌کردم، تهدیدی که باعث می‌شد برای آنها در درس‌های زیادی به‌وجود بیاید. ترس از اینکه عکس‌هایشان منتشر شود آنها را وادار می‌کرد تا به خواسته‌هایم تن بدهند. آنها به قدری ترسیده بودند که برای انجام خواسته‌های من از دیگران پول قرض می‌گرفتند یا بدون آنکه خانواده‌هایشان متوجه شوند پلاهایشان را برمی‌داشتند، به من می‌دادند.

▪ چطور دستگیر شدی؟

یک روز که منتظر یکی از همین طعمه‌هایم بودم زنگ خانه‌ام به صدا درآمد و وقتی در را باز کردم، مأموران پلیس پشت در بودند و مرا دستگیر کردند.

▪ برای اینکه افراد در دام کسانی مثل خودت گرفتار نشوند چه پیشنهادی داری؟

تنها پیشنهادم این است که اعتماد نکنند. انسان‌ها اصلاً قابل پیش‌بینی نیستند و حتی نمی‌توانی به فامیل و همسایه‌ات اعتماد کنی، چطور می‌شود به کسی که حتی یکبار هم او را ندیده‌ای و نمی‌دانی چه کسی است و از چه خانواده‌ای است اعتماد کنی. اصلاً بر فرض من دختر هم بودم اگر به‌عنوان دختر طعمه‌ها را به داخل خانه می‌کشاندم و افراد دیگری در خانه پنهان بودند که به محض ورود طعمه به خانه، او را خفت می‌کردم، چی؟ اما اگر کسی به دام افرادی مثل من افتاد، به تنها چیزی که نباید فکر کند این است که موضوع را مخفی کند و به پلیس خبر ندهد، چرا که قبل از اینکه افرادی مثل من بخواهند به تهدیدشان عمل کنند، پلیس آنها را دستگیر می‌کند. از طرفی ماجرای اخاذی‌ها هم پایانی ندارد وقتی فرد اخاذ می‌بیند که طعمه‌اش هر چه او می‌گوید انجام می‌دهد، خواسته‌اش را تکرار می‌کند و تنها راه جلوگیری از این خواسته طرح شکایت است.

برای این دسته از متهمان در نظر گرفته شده است اما برخی جرایم هستند که هیچ وقت نمی‌توان آسیب و ضررهای آنها را جبران کرد، به‌عنوان مثال وقتی عکس‌های خصوصی شخصی منتشر می‌شود اگرچه نشر دهنده دستگیر و مجازات هم شود اما آیا به لحاظ روحی و معنوی آبرویی را که بر باد رفته می‌توان جبران کرد، شرط عقل حکم می‌کند به خاطر چنین مسائلی در فضای مجازی دختران و پسران براحتی به یکدیگر اعتماد نکنند، البته این موضوع را هم باید مهم دانست که ارتباط‌های ناشروع در فضای مجازی سبب بروز یک سری آسیب‌های اخلاقی در شخص شده و باعث فساد اخلاقی می‌شود، با گسترش فساد اخلاقی بنیان جامعه و خانواده متزلزل خواهد شد. این قاضی معتقد است فقط مجازات نمی‌تواند عامل بازدارنده باشد، چرا که استفاده از فضای مجازی نیازمند فرهنگ و آگاهی است، قربانیان پرونده‌های تشکیل شده در دادسراها قطعاً افرادی هستند که آگاهی نداشتند وگرنه این همه پرونده و متهم وجود نداشت. مردم باید از حقوق خود آگاه باشند اگر نیاشند متضرر می‌شوند.

زندان، شلاق و تبعید از جمله مجازات روابط نامشروع در فضای مجازی و سایر پرونده‌های کلاهبرداری است. این روزها تشکیل پرونده‌های قضایی در این حوزه با افزایش چشمگیری روبه‌رو است که نیازمند آگاهی و اطلاع‌رسانی عموم جامعه است، چرا که هر روز بیشتر از دیروز مردم در ارتباط با فضای مجازی هستند.

▪ آگاهی شرط ورود به فضای مجازی

سرهنگ جلیلیان رئیس پلیس فتای استان البرز نیز درباره دستگیری کلاهبرداران مجازی و اعتماد کاربران این‌طور نیست چون براساس اطلاعات به دست آمده این کودکان و نوجوانان هستند که درمقام نخست آسیب‌های فضای مجازی قرار دارند از سوی دیگر بررسی پرونده‌های قضایی نشان می‌دهد که بسیاری از مردان نیز در این فضا فریب زنان شیاد و کلاهبرداری را خورده‌اند که حتی باورشان نمی‌شده است به این راحتی در دام بیفتند. در تماس‌های تصویری تبدیل می‌شود و افراد بدون در نظر گرفتن موازین اخلاقی اقدام به ارتباط تصویری با هم می‌کنند؛ این رویکرد گاه به شکلی بیش می‌رود که ارتباط در بستر حضوری و ملاقات نیز اجرا شده و قبح‌گناه می‌ریزد.



کارشناسان در گفت و گو با «ایران» آسیب‌های استفاده ناآگاهانه از فضای مجازی را بررسی کردند

تاوان سنگین اعتماد به آدم‌های مجازی

◀ **معصومه مرادیور**
خبرنگار

همه چیز از کادوی روز تولدم شروع شد، همسرمان اشکان در اولین سالگرد تولدم بعد از ازدواجمان یک گوشی هوشمند تلفن همراه برایم خرید. خیلی خوشحال شدم و برایم جذابیت داشت. خودش هم برایم شبکه‌های اجتماعی را نصب کرد و از آن به بعد بهترین سرگرمی‌ام بازی و وقت‌گذرانی در شبکه‌های اجتماعی بود، از آنجا که همسرم در یک شرکت بازاری راننده کامیون بود گاهی مجبور بود برای حمل بار چند روزی به شهرستان برود و در هفته دوسه روزی خانه نبود من هم به خاطر تنهایی، خودم را با این گوشی سرگرم می‌کردم. در همین شبکه‌های اجتماعی بود که با افراد مختلفی آشنا شدم و خیلی زود گروه‌های دوستانه تشکیل دادیم، اما بزرگترین اشتباه من این بود که به کسانی که حتی نمی‌دانستم نام واقعی آنها چیست اعتماد کردم، تنها شناخت من از این دوستان مجازی چند تا عکس روی پروفایل‌هایشان بود که تازه آن هم معلوم نبود عکس‌های واقعی خودشان باشد. هر چه بیشتر می‌گذشت وابستگی من به این دوستان مجازی بیشتر می‌شد تا اینکه یک روز که با گوشی سرگرم بودم پیامی برایم ارسال شد. به عکس پروفایلیش که نگاه کردم پشوری جوان و خوش قیافه را نشان می‌داد. او خیلی مؤدبانه و با احترام حرف می‌زد، خودش را سهیل معرفی کرد و گفت با دیدن عکس من و خواندن پیام‌هایم در گروه جذب من شده است. از خواندن پیام‌هایم حس خوبی به سراغم آمد. هر چند نمی‌خواستم خودم را به حرف‌هایم دلخوش کنم اما نمی‌دانم چه شد که وقتی به خودم آمدم متذکر وابسته حرف‌ها و پیام‌هایم شده بودم که اگر یک روز پیام نمی‌داد انگار گیج و سرگردان بودم.

بعد از چند هفته ارتباطمان از ارسال پیام به صحبت‌های تلفنی رسید و بعد هم از من خواست تا همدیگر را ببینیم، اما من که متاهل بودم و تا همین جا هم زیاد روی کرده و پایم را از گلیمم درازتر کرده بودم با خودم گفتم نباید با این پسر قرار ملاقات بگذارم. بعد تصمیم گرفتم به ارتباطم با سهیل پایان بدهم. به همین خاطر چند روزی نه به پیام‌ها و نه به تماس‌هایم جواب ندادم، اما خیلی زود متوجه شدم وابستگی و علاقه‌ام به این پسر غریبه بیشتر از آن چیزی است که فکر می‌کردم. از طرفی سهیل هم مدام از عشق و دوست داشتنم برایم می‌نوشت و اینکه می‌خواهد با من ازدواج کند. به او پیام دادم و گفتم من نمی‌توانم از همسرم جدا شوم. او را دوست دارم و باید به این ارتباط پنهانی پایان دهم.

اما با گفتن این جمله، سهیل چنان عصبانی شد که بلافاصله تماس گرفت و گفت: اگر کاری که می‌خواهم را انجام ندهی همه عکس‌ها و پیام‌هایم را در فضای مجازی منتشر می‌کنم و آبرویت را می‌برم.

من که باورم نمی‌شد چنین حرف‌هایی را از زبان سهیل بشنوم با خودم گفتم حتماً این حرف‌ها را می‌زند تا مرا وادار کند که به رابطه‌ام با او ادامه دهم و از بس عاشقم است نمی‌خواهد مرا از دست بدهد. با این حال نمی‌دانم به خاطر احساساتم بود یا ترس از بی‌آبرویی که حاضر شدم به این رابطه ادامه دهم و این دومین اشتباه بزرگ زندگی‌ام بود.

با ملاقات سهیل این ارتباط شکل دیگری به خود گرفت در کمال ناباوری متوجه شدم سهیل با آنچه که در ذهنم از او ساخته بودم یک دنیا فرق دارد. او پسری معتاد بود که از راه اخاذی از زنان متاهل زندگی می‌کرد و من هم یکی از طعمه‌هایم بودم اما دیگر دیر شده بود و من ناچار بودم به خواسته‌هایش تن بدهم تا مبادا شوهرم به ماجرای بی‌بردم. در یکی از همین ملاقات‌ها بود که آن اتفاق شوم رقم خورد من که فکر می‌کردم همسرم از این ارتباط بی‌خبر است یک روز که در نبود همسرم به دیدار سهیل رفته بودم ناگهان همسرم را در پارک پشت سر خود دیدم و همین موضوع باعث یک درگیری شدید بین سهیل و اشکان شد. در کمال ناباوری همسرم با چاقو سهیل را به قتل رساند و...»

زن جوان که کنار همسرش روی صندلی مقابل بازپرس نشسته بود در ادامه صحبت‌هایش گفت: آقای قاضی من با ندانم کاری هم زندگی خودم را نابود کردم و هم زندگی شوهر بی‌گناهم را؛ او الان به خاطر اشتباه و حماقت من باید در انتظار مجازات مرگ باشد. ای کاش آنقدر زود به غریبه‌ها اعتماد نمی‌کردم و باعث نابودی خودم و شوهرم نمی‌شدم.

▪ فضایی بدون چارچوب

دکتر ابراهیم اسلامی قاضی دادگستری و عضو شورای عالی فضای مجازی کشور درباره نقش فضای مجازی در چنین پرونده‌ای می‌گوید: برخی کاربران فضای مجازی بیشتر برای گذران اوقات فراغت و سرگرمی به سراغ فضای مجازی می‌روند. در این میان گاهی رابطه‌های دوستی بین کاربران نیز رخ می‌دهد؛ فرایندی که در آن هیچ چهارچوبی وجود ندارد و هر فردی بدون اینکه هویت واقعی‌اش مشخص شود خود را برای دیگران آن‌طور که ایده‌آس است تعریف می‌کند حتی ممکن است جنسیت واقعی‌اش را نیز فاش نکند. این رابطه‌ها که بدون هیچ سختی در همه وقت در دسترس قرار دارد کاربران را بیشتر مجذوب خود کرده است و یکی از خطرناک‌ترین نوع رابطه که در این فضا شکل می‌گیرد رابطه‌های

نامشروع است.

در فضای مجازی رابطه‌ها در ابتدا از یک احوالپرسی ساده آغاز می‌شود بعد رفته رفته به سمت درد دل کشیده شده و در نهایت یک دوستی بر پایه‌های بی‌اساس روابط عاطفی شکل می‌گیرد. در این بخش افراد شروع به ارسال تصاویر شخصی از خود می‌کنند و صحبت‌های خصوصی رد و بدل می‌شود. گفت‌وگوهای نوشتاری در فضای مجازی پس از مدت کوتاهی به تماس‌های تصویری تبدیل می‌شود و افراد بدون در نظر گرفتن موازین اخلاقی اقدام به ارتباط تصویری با هم می‌کنند؛ این رویکرد گاه به شکلی بیش می‌رود که ارتباط در بستر حضوری و ملاقات نیز اجرا شده و قبح‌گناه می‌ریزد.



در رابطه‌های مجازی نه تنها با احساسات طرفین بازی می‌شود بلکه گاهی شاهد هستیم با افراد ناشناس آنها را در مسیر پریچ و خم و خطرناک اخاذی و سایر جرایم دیگر نیز وارد می‌کند که فقط با ز دست دادن پول و بی‌آبرویی همراه نیست بلکه گاه پرونده به یک ماجرای جنایی تبدیل می‌شود

روابط در فضای مجازی چه از سر کنجکاوی باشد و چه از روی تنهایی آسیب‌زایی بر ذهن شخص ایجاد می‌کند و در نهایت باعث می‌شود از مسیر سالم زندگی خود فاصله بگیرد و این موضوع به قیمت از دست رفتن فضای گرم خانواده او خواهد بود.

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی در ادامه می‌گوید: بسیاری از قربانیان این ماجراها زنان و دختران جوان هستند که فریب ظاهرسازی کاربران مکار را خورده‌اند. دلیل اینکه در فضای مجازی بیشتر شاهد این نوع پرونده‌ها هستیم این است که در فضای مجازی هیچ محدودیتی وجود ندارد و افراد در هر لحظه می‌توانند با افرادی که اصغر عبداللهی قاضی دیوان عالی کشور درباره این نوع پرونده‌ها به «ایران» می‌گوید: در قانون مجازات اسلامی اگر چه مجازات‌های سنگینی